

## Original Article

### The Status of the Social Right of Citizenship According to Timurid Government Structure (1369-1505 A.D.)

Sakineh Taherkhani<sup>1</sup>, Mehrnaz Behroozi<sup>2\*</sup>, Maryam Kolbadi Nezhad<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in History and Civilization of Islamic Nations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of History and Archeology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Mehrnaz\_Behroozi@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of History and Archeology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 15 Aug 2018 Accepted: 26 Feb 2019

#### Abstract

Social right is one of the components of the rights of citizenship that attend to the welfare and social security of citizens. This right includes: the construction and reconstruction of cities and villages; the existence of various guilds; and the rules and enforcement of laws. The research question is: How was the social right of citizenship during the Timurid period to be regarded as theoretical and practical by the rulers, given the governance structure of this dynasty? Thus, the aim of the study is to explaining the components of civil rights of citizens in the Timurid period. It was used to study the variables of citizenship rights and the Timurid rule, the descriptive-analytical and historical-documentary method according to style of collecting library information. After analyzing the components, these results were obtained: The social right of citizenship or the welfare and social security of citizens under the rule of Timurid was dependent on periods of peace or war. Timurid in the time of peace, for prosperity, they not only did emigrate many architects, artists and industrialists from other cities to Samarkand and Herat; they also issued commemorations for reclaiming the lands and not migrating villagers to other cities. With the flourishing of different cities and places, they were formed different types of guilds, such as architects, artists, astronomers, physicians, tradesmen and industrialists in this period. The current laws on them were based on two customary rules (Yasa Chingiz) and Shari'a (Islamic law); but gradually, in during the Shahrokh era, the laws were only applied on the basis of Islamic religious principles. So, in the period of peace, strict monitoring on the implementation of decrees and laws issued has caused the growth and prosperity of the cities and the prosperity of villages especially in Khorasan. Thereinafter, the guilds flourished. But, with the weakness of the central government and the disorderly resulting from it, it went down to monitor laws and enforce decrees, and this caused to exploit the agents and executives, As a result, the citizens were abused by them. So, the social right of citizens during the Timurid period was in direct relation with the structure of Timurid government and central authority.

**Key words:** Social Rights; Civil and Mansion; Crafters; Law; Timurid

**Please cite this article as:** Taherkhani S, Behroozi M, Kolbadi Nezhad M .The Status of the Social Right of Citizenship According to Timurid Government Structure (1369-1505 A.D.). *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 317-329.

## وضعیت حق اجتماعی شهروندی با توجه به ساختار حکومتی تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ق.)

سکینه طاهرخانی<sup>۱</sup>، مهرناز بهروزی<sup>۲\*</sup>، مریم کلبادی‌نژاد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: Mehnaz\_Behroozi@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۷

### چکیده

حق اجتماعی یکی از مؤلفه‌های حقوق شهروندی است که رفاه و امنیت اجتماعی شهروندان را مورد توجه قرار می‌دهد. این حق شامل: عمران و بازسازی شهرها و روستاها، وجود اصناف مختلف، قوانین و اجرای آن می‌شود. بدین‌گونه با توجه به مؤلفه‌های شهروندی در ایران اسلامی، چگونه حق اجتماعی شهروندی در دوره تیموریان با توجه به ساختار حکومتی این سلسله، مورد توجه نظری و عملی حاکمان بوده؟ مسأله این پژوهش است. بدین‌گونه هدف پژوهش تبیین مؤلفه‌های حق اجتماعی شهروندان در دوره تیموریان است. جهت بررسی متغیرهای حقوق شهروندی و حکومت تیموریان، از روش توصیفی - تحلیلی و تاریخی - اسنادی با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده شد. پس از بررسی و تحلیل مؤلفه‌ها، این نتایج به دست آمد: حق اجتماعی شهروندی یا رفاه و آسایش و امنیت اجتماعی شهروندان تحت حکومت تیموریان، وابسته به دوره‌های صلح یا جنگ بود. در زمان آسایش، تیموریان، برای رونق و عمران نه‌تنها عده بسیاری از معماران، هنرمندان و صنعت‌کاران را از شهرهای دیگر به سمرقند و هرات کوچاندند، بلکه فرامین کاربردی نیز جهت آبادکردن زمین‌ها و عدم مهاجرت روستاییان به شهرهای دیگر صادر نمودند. با رونق شهرها و آبادانی مکان‌های مختلف، اصناف مختلفی همچون معماران، هنرمندان، منجمان، طبیبان، تجار و صنعت‌کاران در این دوره شکل گرفت. قوانین جاری بر آن‌ها بر مبنای دو قاعده عرفی (یاسای چنگیزی) و شرعی (قوانین اسلامی) بود، اما به تدریج در دوران شاهرخ قوانین تنها بر اساس اصول شرع اسلامی اعمال شد. بدین‌ترتیب در دوره صلح، نظارت دقیق بر اجرای فرامین و قوانین صادره موجب رشد و شکوفایی شهرها و رونق و آبادانی روستاها به ویژه در خراسان گشت و پیرو آن، از امنیت حاصل‌شده از آن، اصناف رونق گرفتند، اما با ضعف حکومت مرکزی و بی‌نظمی حاصل از آن، نظارت بر قوانین و اجرای فرامین، رو به سستی گرایید که موجب سوءاستفاده عمال و مأموران اجرایی و در نتیجه اجحاف و ظلم در حق شهروندان شد. بنابراین حق اجتماعی شهروندان در دوره تیموریان در رابطه مستقیم با ساختار حکومتی تیموریان و قدرت مرکزی بود.

واژگان کلیدی: حق اجتماعی؛ عمران و عمارت؛ پیشه‌وران؛ قانون؛ تیموریان

## مقدمه

امروزه شهروندی (Citizenship) به سبب نقش ارزشمندی که در حفظ نظم و امنیت و ارتقای جامعه دارد، مورد توجه اندیشمندان سیاسی قرار گرفته است. حقوق شهروندی، حقوقی فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که یک شهروند به واسطه زندگی در یک قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه او و دولت حاکم، از آن برخوردار می‌شود (۱). از دیدگاه مارشال (Marshal)، شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن را به تمامی اعضا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده، برخوردارند (۲). نظریه پردازان حقوق شهروندی، مهم‌ترین مؤلفه‌های شهروندی را بهره‌مندی از سه دسته از حق‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند (۳).

تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ق.) بعد از ۳۵ سال دوران آشوب ناشی از سقوط حکومت ایلخانیان و نبود حکومت واحد در اواخر سده ۸ ق. پا به عرصه سیاسی نهادند. این امپراتوری از هندوستان تا دریای مدیترانه و از اردوی زرین تا خلیج فارس را شامل می‌شد. آنان در حدود یک قرن و نیم حکومت بر نواحی مختلف سرزمین ایران به ویژه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر به تدریج از فرهنگ ترکی - مغولی خود فاصله گرفته و به فرهنگ ایرانی - اسلامی روی آوردند. این مسأله ماهیت نظام سیاسی این دوره را که از حیث جامعه‌شناسی یک ترکیب چند فرهنگی (عربی، ترکی، مغولی و ایرانی) ناسازگار و ناهمگون است به خوبی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر افراد و ساکنان تحت حاکمیت این سلسله از قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌های منحصر به فردی بودند. این ترکیب ناهمگون چندگانه ترکی - ایرانی تحت نظام سیاسی شاهی - سلطانی اداره می‌شد.

بنابراین خود نظام سیاسی دوره تیموری و به علاوه «توجه محافظه‌کارانه نظام اندیشگی ایران طی یک دوره تاریخی اجتماعی کلان» نشان می‌دهد که ایران از ظرفیت‌ها و بسترهای مناسب و مساعد برای امکان شهروندی - حداقل از

نظر حق سیاسی - در این دوران برخوردار نبوده است (۲)، زیرا اکثریت مردم پیشه‌ور شهری و کشاورز روستایی، فاقد حقوق سیاسی شهروندی تلقی می‌شد و از نظر دولت و دستگاه حکومتی حقی برای تعیین مصالح خود نداشت، زیرا حکومت بر مبنای انتخاب اصلاح یا تمایل اکثریت روی کار نیامده بود و «عنصر دخیل در بقا و دوام آن‌ها زور و قائمه شمشیر تیز بود» (۴). بدین‌گونه مؤلفه حق سیاسی شهروندی در دوره تیموری، پیشاپیش حذف می‌شود، زیرا «اصولاً سیاست بر مبنای تحلیل رابطه نیروها قابل لحاظ نبود. میان رعیتی که رمه پادشاه و خلیفه است، جز رابطه سیاسی مبتنی بر تغلب ممکن نمی‌گردد» (۵). بدین ترتیب با حذف مؤلفه سیاسی حق شهروندی در اینجا، مؤلفه دیگر شهروندی، یعنی مؤلفه اجتماعی که شامل رفاه و امنیت اجتماعی و امکانات اقتصادی است مورد بحث و بررسی این مقاله است.

تراکم ثروت تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ق.) در سمرقند، به همراه فروکش کردن تقریبی جنگ‌های خانگی در ایران در دوران جانشینان تیمور و در نتیجه، برقراری امنیت در سراسر کشور به ویژه در دوران تیمور و شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷ ق.) و تا حدودی سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۳/۸۷۸ ق.) موجب شد تا شهرها و روستاها به ویژه در خراسان بزرگ دگرباره بازسازی و آباد شوند. بدین‌گونه گرچه در ابتدا حملات تیمور موجب ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و بسیاری از حکومت‌های محلی شد، اما به تدریج، او آرامش و آسایش مردم ساکن در شهرهای مفتوحه را نیز تأمین کرد و جانشینان او در نواحی مختلف، زیان‌های گذشته را جبران کردند. آنان به این نکته مهم پی برده بودند که لازم است برای تأمین رفاه مردم و بهبود وضع اقتصادی، زراعت و تجارت را توسعه دهند. این مسأله را می‌توان از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر تیموریان به ویژه در مناطق پایتخت‌نشین مانند سمرقند و هرات دید. به عنوان نمونه، شهر هرات که در روزگار مغولان به کلی آسیب دیده بود، در سال ۸۰۷ ق. به دستور شاهرخ تیموری مجدداً آباد و پرونق گردید. «آن به نوعی استحکام یافت که عمارات سلاطین ماضیه عشر عشیر آن نبوده» (۶). بنابراین امرای

تیموری با ایجاد آرامش نسبی، خصوصاً در عهد شاهرخ و بعدها سلطان حسین بایقرا، توجهی ویژه به امور کشاورزی و آبادانی شهرها و روستاها از خود نشان دادند که موجب شد تا ایران حداقل در نواحی شرقی‌اش به بالاترین سطح آبادانی و فراوانی خود دست یابد (۷).

بدین‌گونه این پژوهش بر آن است تا از میان مؤلفه‌های حقوق شهروندی، به حق اجتماعی شهروندی در دوره تیموری بپردازد، البته لازم به ذکر است که این حق اجتماعی نه بر اساس مفهوم امروزین آن که محصول قانون دموکراتیک است، بلکه منظور، امتیازات شهروندی، با توجه به ساختار حکومت سلطنتی و مطلقه تیموریان است که از بالا به پایین اعطا می‌شد. نوشته معروفی از دوران ایران باستان وجود دارد که معمولاً در طول دوره ایران اسلامی بدان استناد می‌شد «قاعدۀ مُلک بر عدل و سیرت داد و دهش بود و هر که از ایشان فرزند را ولیعهد کردی، او را وصیت بر این جمله نمودی که: پادشاهی نتوان کرد الا به لشگر و لشگر نتوان داشت جز به مال، مال نخیزد الا به عمارت و عمارت نباشد جز به عدل» (۸). بنابراین با توجه به مطلب ارائه‌شده، نگارندگان قصد پاسخگویی به این پرسش اساسی را دارند که با توجه به مؤلفه‌های شهروندی در ایران اسلامی، چگونه حق اجتماعی شهروندی در دوره تیموریان با توجه به ساختار حکومتی این سلسله، مورد توجه نظری و عملی حاکمان بوده است؟

نگارندگان برای پاسخگویی به این مسأله با توجه به روش تحقیق کیفی - تحلیلی و اسنادی - تاریخی، سه مؤلفه عمران و آبادی شهر و روستا، وضعیت طبقات و اصناف و در نهایت قوانین اجرایی دوره تیموری را مورد بررسی و تفتیش قرار می‌دهند.

### ادبیات و سابقه تحقیق

برای بررسی این مقاله سه مبحث اقتصادی، اجتماعی و قضایی دوره تیموری مورد توجه است. در مبحث اجتماعی می‌توان به آثار محققانی چون منز (Manz) در «برآمدن و فرمانروایی تیمور» (۱۳۷۷ ش.) و رویمر (Roymer) در «تاریخ ایران دوره تیموریان» (۱۳۷۸ ش.) اشاره نمود که به

ابعاد مختلف نظام اجتماعی تیموریان پرداخته و سعی در تبیین و واکاوی شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه تیموری داشته‌اند. رستمی در مقاله «بررسی نظم و امنیت اجتماعی در دوره تیموریان با تکیه بر تزوکات تیموری» (۱۳۹۴ ش.) نیز به اقدامات و اعمال سلاطین تیموری در جامعه با توجه به تزوکات پرداخته است. همچنین میرجعفری در کتاب «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان» (۱۳۷۵ ش.) علاوه بر مباحث سیاسی و اجتماعی به مبحث اقتصادی دوره تیموری نیز پرداخته است.

در مبحث اقتصادی می‌توان به اثر اکا (Aka) تحت عنوان «فعالیت‌های کشاورزی و تجاری تیموری در نیمه نخست قرن ۱۵ میلادی» (The Agricultural and Commercial Activities of the Timurids in the First Half of the 15th Century) (۱۹۹۶ م.)، برت فراگز (Fragz) در جلد ششم تاریخ ایران کمبریج تحت عنوان «اوضاع اجتماعی و اقتصادی داخلی» (۱۳۷۸ ش.) اشاره نمود که به مقوله اقتصاد اجتماعی در ایران تیموری توجه خاصی داشته است. رحمتی و یوسفوند در مقاله تحت عنوان «سلطان حسین بایقرا و حیات اقتصادی خراسان» (۱۳۹۲ ش.) نیز به مباحث اقتصادی دوره تیموری به ویژه سلطان حسین بایقرا پرداخته‌اند. همچنین منابع محلی همچون «روضات الجنات» (۱۳۳۹ ش.) اثر معین‌الدین زمجی اسفزاری که در ذکر و وصف تاریخ هرات است نیز اوضاع اقتصادی و اجتماعی تیموریان حداقل درباره هرات را بازگو می‌نماید.

در مبحث قضایی می‌توان به مقاله الهیاری و سمائی دستجردی تحت عنوان «سیاست قضایی سلاطین تیموری» (۱۳۸۸ ش.) اشاره نمود که در خصوص کارکرد نهاد قضاوت در دوره تیموری و میزان عملکرد قضات و مجریان امور قضایی نگاشته شده است. مقاله‌ای دیگر از سمائی و عابدین‌پور جوشقانی با عنوان «آیین محاکمه و مجازات در دوره تیموریان» (۱۳۹۱ ش.) در خصوص قوانین جزایی دوره تیموریان به رشته تحریر در آمده است. همچنین بخشی از مقاله عزیزیان با عنوان «دیوان سالاری عهد تیموری» (۱۳۸۶

ش). نیز در خصوص سازماندهی قضایی و اداری نکاتی در خور توجه دارد.

### توجه و اهمیت به عمران و بازسازی شهرها و روستاها

یکی از مباحث مهم در زمینه رفاه و امنیت اجتماعی، توجه به آبادانی و عمارت شهرها و روستاها و بازسازی ویرانی‌های گذشته است. فتوحات مغولان در دهه‌های آغازین سده ۷ ق. تأثیرات سوء و مخربی را در حیات اقتصادی - اجتماعی ایران، به ویژه خراسان بر جای گذارده بود. شهرهای آباد و پیشرفته قدیمی همچون، مرو، بلخ، بخارا، هرات و نیشابور، ری و قزوین به شدت آسیب دیده بودند (۹). شهرهای بسیار مهمی همچون مرو و بلخ و نیشابور مدت‌های طولانی ویرانه باقی مانده و بازسازی و احیای مجدد آن‌ها تا عصر تیموریان به تعویق افتاده بود، چنانکه «در شهرهای غارت‌شده خراسان از هر ده خانه پنج خانه خالی و ویران بود» (۹). پس از حمله تیمور عمران و آبادانی مناطق به سرعت در رأس امور قرار گرفت.

تیمور که برای آبادانی مرکز سیاسی خود، یعنی سمرقند اهمیت زیادی قائل بود، هنرمندان و صنعتگران مختلف را از سرزمین‌های مفتوحه به آنجا انتقال داد و در حومه شهر دهکده‌هایی به نام دمشق، مصر، شیراز، سلطانیه و بغداد بنیان نهاد و کاخ‌ها، مدارس، مساجد و نهادهای عام‌المنفعه مانند خانقاه و حمام بنا کرد (۱۰). بدین ترتیب علاقه تیمور به آبادانی و تشویق هنرمندان و صنعتگران در اندک زمانی موجب شد تا سمرقند به صورت یکی از زیباترین شهرهای جهان از لحاظ هنری و بازرگانی درآید. در این رابطه کلاویجو (Clavijo) می‌نویسد: «پیوسته تیمور پشتیبان بازرگانی و داد و ستد بوده است تا بدین‌گونه پایتخت خویش را یکی از مهم‌ترین شهرهای مهم و عمده کند» (۱۱).

بدین‌گونه تعمیر و ساخت بناها و عنایت ویژه تیمور به مرمت و عمران، تأثیر خود را در برقراری نظم و امنیت نسبی حداقل در سمرقند - که در زمان تیمور شامل ۱۵۰۰۰ نفر و اقوام و عناصر قومیتی و دینی مانند ترکان، فارس‌ها و یونانیان و ارمنی‌های مسیحی اعم از کاتولیک، یعقوبی و نسطوری و

هندی با خانواده‌هایشان می‌شد (۱۱) - بر جای گذاشت تا جایی که ابن عربشاه می‌نویسد: «هرگاه تیمور به آن سوی روی می‌نهاد، آن بستان‌ها گردشگاه مردم شهر بود و توانگر و درویش بدان نزهتگاه‌ها که به نکویی و شگفت‌انگیز مانند نداشت، روی می‌نمودند. میوه‌های شیرین آن بر همه کس رایگان بود و به قیمت خردلی فروخته نمی‌شد» (۱۰).

پس از تیمور، دوره شاهرخ ایران تقریباً دارای آرامش نسبی گشت و حکومت وی، دوران توجه به عمران و آبادی شهرها و روستاهاست. روحیه اصلاح و جبران خسارت‌های حاصل از یورش‌های تیمور در مجموعه اقدامات امنیتی این سلطان تیموری به خوبی نمایان بود. به دلیل اهمیت این امر، این حاکم تیموری در فرمان‌های مربوط به انتصاب حکام شهرها، شرط واگذاری مناصب را در اهتمام به زراعت و آبادانی شهرها قرار می‌داد (۱۲). در پروانچه‌ای از وی که در ضبط امور و نظم راه و برای داروغه و حاکم نیشابور صادر گردیده، بر این قضیه تأکید بسیار شده است (۱۲).

شاهرخ یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها را در مرو که از عهد چنگیزخان ویران گشته بود، به اجرا درآورد. او در ۸۱۲ ق. فرمان آبادسازی مرو را صادر کرد. «شاهرخ فرمان داد تا به عمران و آبادی شهرهای خراسان، از جمله مرو توجه ویژه شود و مساجد، حمامات، خانان، خانقاهات، مدارس، اربطه و قناطر ساخته شد» (۱۳). مرو و توابع آن در زمان شاهرخ مجدداً عمارت و آبادان شد و رود مرغاب را لای‌روبی کردند و بر روی آن بندها بستند و جوی‌هایی از آن آب روان کردند و به زمین‌ها و مزارع اطراف مرو هدایت نمودند و شهر و توابع آن دوباره روی رونق و آبادی دید (۶). با این حال به علت جذابیت شهر هرات، اکثر مردم مرو به هرات مهاجرت کردند تا از امکانات و امنیت موجود در پایتخت، بهره بیشتری ببرند (۱۴). وی همچنین در مدت سلطنت خود دستور به تعمیر و آبادانی مناطق آذربایجان و عراق عجم که به دست ترکمانان خراب شده بود، داد و برای تحقق این دستور فرمان صادر کرد که هر کس مزارع و باغات خود را احیا کند، مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف خواهد بود (۱۵).

با آنکه در دوران فرمانروایی شاهرخ و سایر سلاطین تیموری نیشابور دوباره رونقی گرفت و بخشی از اعتبار گذشته خود را به دست آورد، ولی به لحاظ اهمیت روزافزون هرات، به عنوان پایتخت تیموریان و همچنین با ترقی روزافزون شهر مشهد که مهم‌ترین شهر زیارتی شیعیان گردید، سرانجام با انتقال پایتخت از هرات به اصفهان در دوران صفویه نیشابور اهمیت و آبادی پیش از عهد مغول خود را هرگز به دست نیاورد (۱۶).

عظمت و اهمیت شهر هرات در سرزمین خراسان به همراه جایگاه تجاری، سیاسی، ادبی، اجتماعی و مذهبی در تاریخ خاوری باعث آوازه و شکوه و ابهت هرات در آن روزگار گردید (۷). شاهان تیموری بزرگ‌ترین مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، دارالسیاده و کتابخانه‌ها را در این شهر به وجود آوردند. در مورد نواحی و توابع هرات حافظ ابرو می‌نویسد: «بلوکات است و ولایات، آنچه در جلکای هرات است و متصل شهر آن را بلوکات خوانند، مابین هراه رود فوشنج که پانزده فرسخ باشد در طول و پنج فرسخ در عرض تخمیناً و طول آن جلکا از مشرق است به مغرب، و بلوکات هم بر جانب شمال است و هم بر جانب جنوب از رود، و رود در میان جلکا است و از دو طرف جوی‌ها برداشته‌اند و قرای و مزارع بر آن معمور گردانیده، هر جویباری را بلوکی خوانند، و این رود را خاصیتی است که چندان که آن را ببندند و آب به جویی روان شود، اگر همه خشک بند گردد، چون اندک مسافتی شود و باز آب بسیار روان گردد و این رود سنگریزه‌های منقش نیز دارد» (۶).

شاهرخ در طی چهل و سه سال فرمانروایی در هرات از هیچ‌گونه کوششی در راه ترمیم خرابی‌های این شهر کوتاهی نکرد. اغلب بازارهای هرات که در قدیم سرپوشیده نبودند و در مواقع بارندگی و برودت هوا کسبه و تجار به زحمت می‌افتادند، به دستور شاهرخ تمام بازارها را سرپوشیده کرده و خیابان‌های مشرف به بازار را ترمیم و بازسازی کردند، بازارها را از گچ و آجر ساختند و بر روی آن‌ها طاق‌های عالی و مجلل بستند. در فواصل مشخص روزه‌ای بر روی سقف‌ها تعبیه نمودند تا روشنایی بازار تأمین شود. حجره‌های کسبه و تجار را با نظم و ترتیب خاصی مرتب ساختند و وضع چهارسوی او مرتب بر

مربعی متساوی‌الاضلاع، واقع بر مرکز دایره خیرالبقاع و از چهار دروازه، چهار راست بازار بدان محل می‌رسد و بر طرف شمال شهر تحت‌القلعه، مدرسه و خانقاهی عالی بنا فرمود. در برابر یکدیگر و مسافت ما بین صحن سرایی بزرگ و صغه عالی و دو مناره بزرگ در برابر یکدیگر بر دو طرف درآمد، آن چنانکه مهندسان و مقدران بنی‌آدم اجتماع و اتفاق دارند، بر آنکه کشیده‌تر به قد و تمام‌تر به مد و باریک‌تر به عمل و محکم‌تر به تفصیل و جمل، بر روی زمین از آن بنایی نکرده‌اند (۶).

طوس و مشهد نیز از شهرهای آباد این دوره بوده‌اند. طوس در سده نهم هجری شهری بزرگ و آباد بود و بنا به قول حافظ ابرو «هر بلوکی تعداد زیادی روستا و مزرعه داشته است. انواع میوه‌ها و غلات نظیر جو و گندم خوب در مزارع و باغات تابعه طوس به عمل آمده است» (۶). وی درباره شهر مشهد می‌نویسد: «این موضع که حالا به مشهد معروف است، قریه‌ای بود که آن را سناباد می‌خواندند. به سبب مزار متبرک سلطان خراسان شهری گرفت و سادات در آنجا مقام کردند. حکام و سلاطین تعظیم قبر و رعایت ادب اهالی آن را از زحمات و تکلفات معاف داشتند و به برکت آن جایی معتبر شد. امروز از شهرهای معظم خراسان یکی آن است» (۶). روستاها و مزارع بسیاری در اطراف مشهد وقف مرقد مطهر آن امام همام گردید که در دست سادات عظام اداره می‌شد (۶).

عمران و آبادی در دوره سلاطین دیگر تیموری نیز مورد حمایت و توجه بود، چنانکه معین‌الدین اسفزاری در باب توجه سلطان حسین بایقرا به عمران و آبادانی می‌نویسد: «لاجرم رعایا چنان به زراعت و عمارت مشغول و مشعوف گشتند که از مرغزار و سنگستان هیچ جا نماند که مزرعه و باغستان نگشت و در تمام بوادی و صحراوات، هرچند مواضع یابس و اراضی موات بود، از احداث انهار و اجرای قنوات احیا یافت از جمله آنکه از خطه مرغاب تا مرو شاهجان قریب به سی فرسخ صحرای موات فاصله بود و از سرخس تا مرو بیست و پنج فرسخ دیگر درین ایام همایون تمام مزروع و معمور گشته، چنانکه به یکدیگر متصل شد» (۷). وی در امر ساختن مکان‌هایی از جمله مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و رباط‌ها با اهداف فرهنگی فعال بود (۱۷).

## وجود طبقات و اصناف گوناگون

از مسائل قابل توجه دیگر در مبحث مسائل اجتماعی، وجود طبقات و اصناف مختلف و توجه به آنان از سوی حکومت و از سوی خود شهروندان به یکدیگر است، اگرچه طبقات اجتماعی ایران در همه دوران اسلامی به دو گروه مشخص حاکم و محکوم تقسیم می‌شود که گروه حاکم شامل: ۱- قشر ممتاز جامعه؛ ۲- طبقه نظامیان؛ ۳- دیوانیان؛ ۴- روحانیون می‌شود و قشر محکوم نیز شامل عموم کشاورزان روستایی و پیشه‌وران و تجار شهری می‌شود (۴)، اما به طور خاص‌تر می‌توان چهار طبقه اصلی دوران تیموری را بدین‌گونه برشمرد: ۱- طبقه لشکری که غالباً از اقوام ترکستان و ماوراءالنهر بودند؛ ۲- طبقه روحانیان؛ ۳- طبقه دیوانیان؛ ۴- طبقه زارع و پیشه‌ور که عامه مردم بودند.

البته تیمور در تزوکت، طوایف مختلف مردم را به دوازده طایفه تقسیم کرده است: «این دوازده طایفه را به منزله دوازده برج فلک و دوازده ماه کارخانه سلطنت خود قرار دادم» (۱۸). وی در اولین طبقه از سادات و علما و فضلا یاد کرده است؛ کسانی که به گفته تیمور مسائل علوم دینی و حکمی و عقلی و مسائل حلال و حرام را از ایشان استفسار می‌نمودند. در ادامه طایفه دوم عقلا و اصحاب کنکاش و ارباب حزم و احتیاط و مردم کهنسال؛ طایفه سوم ارباب دعا؛ طایفه چهارم امرا و سرهنگان و سپهسالاران و ارباب شجاعت؛ طایفه پنجم اشجعان سپاه از بهادران و دلاوران و کلانتران و کدخدایان؛ طایفه ششم خردمندان معتمد راسخ الاعتقاد؛ طایفه هفتم وزرا و کُتاب و منشیان؛ طایفه هشتم حکما و اطبا و منجمان و مهندسان؛ طایفه نهم محدثین و ارباب اخبار و قصص (مورخین)؛ طایفه دهم مشایخ و صوفیان و عارفان؛ طایفه یازدهم ارباب صنعت و در نهایت طبقه دوازدهم مترددین و مسافران (۱۸). بدین‌گونه طبیبان و منجمان و معماران (طبقه هشتم)، مورخین (طبقه نهم) ارباب صنعت یا پیشه‌وران (طبقه یازدهم) و کشاورزان که نامی از آن‌ها برده نشده، در آخرین طبقات دسته‌بندی تیمور قرار می‌گیرد که اگرچه بیشترین زحمت را می‌کشند، اما کم‌ترین بهره را می‌برند.

در توضیحات و توصیفات تیمور در تزوکت تیموری از هر یک از این طوایف دوازده‌گانه آورده و بر آن تأکید داشته، همه طوایف از اهمیت و رجحان برخوردار بوده‌اند. برای هر یک از این گروه‌ها در سلک و پیشه خود حقوق و وظایفی تعیین شده است، زیرا پیر طریقت به وی گوشزد کرده تا «وزرا و لشکریان و عمالان و کارکنان و سپهسالاران هر یک در حد مرتبه خود بوده، منتظر حکم باشند و هر طایفه و هر قوم را در مرتبه ایشان بدار تا سلطنت تو به نظام و انتظام در آید و اگر حفظ مراتب هر چیز و هر کس نکنی، بسی خلل و فساد در امور سلطنت تو راه یابد» (۱۸)، اما به طور کلی از میان این دوازده طایفه، افراد ایل جغتائی بیش از همه برای او اهمیت داشتند، زیرا آنان سربازانی مطیع و وفادار و تربیت شده بودند. همانطور که پیش‌تر ذکر شد، اگرچه زمان زیادی از زندگی تیمور به نبرد و غارت سرزمین‌های مختلف شرق و غرب گذشت، اما به واسطه قدرت کم‌نظیر او، دوره کوتاهی از امن و آسایش در کشور مشاهده شد. امنیت حاصله موجب توجه به شهرها و عوامل مرتبط با عمران سرزمین شد. آنگاه همراه با رشد و شکوفایی مجدد شهرها، اصناف نیز به وجود آمدند. پیشه‌وران و اهل حرف و تجار خرده‌پا که انواع خدمات را در اختیار داشتند، در صنف‌هایی متشکل شدند. تیمور اغلب پیشه‌وران و ارباب حرفه نظیر زره‌سازان، شیشه‌سازان، چینی‌سازان، تفنگ‌سازان، بافندگان، کمان‌سازان و نیز توپ‌سازان را به تعداد زیاد از شهرهای مفتوحه به اسارت آورده و در سمرقند اسکان می‌داد (۱۱). شرف‌الدین علی یزدی نیز به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد: «از اصناف هنرمندان و پیشه‌کاران هر که در قسمی از اقسام مشهور و معروف بود، همه را خانه کوچ به سمرقند فرستادند» (۱۹). این روند کوچ‌دادن هنرمندان، معماران و صنعت‌کاران از شهرهای دیگر به مرکز در زمان همه سلاطین تیموری به ویژه در زمان شاهرخ و توجه به هرات ادامه داشت، چنانکه حمایت‌های سلطان حسین بایقرا از پیشه‌وران و اصناف مانند صدور نشان و منشور برتری و کلانتری (۲۰)، لغو مالیات‌های غیر قانونی از ایشان (۲۱)، انتخاب افراد سرشناس و منصف به منصب محتسب بر کارکرد اصناف (۲۲) و تعیین انعام و مستمری

می‌پرداختند (۲۵). او هنرمندانی را در عرصه نگارگری، خوشنویسی، مذهب کاری، جلدسازی و همچنین کسانی که در هنر کتابت استاد بودند، به کتابخانه خود دعوت کرد (۲۶).

حکومت سی و هشت ساله سلطان حسین بایقرا بر هرات یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر و فرهنگ و ادب در ایران زمین بود (۲۷). او هنرمندان از جمله نقاشان و خطاطان ماهر و متبحر را با حمایت و ترغیب خود به هرات جذب کرد و رونقی دوباره به کتابخانه سلطنتی که رو به افول گذارده بود، بخشید (۲۸). زندگی فرهنگی در هرات همچنانکه در محافل درباری رونق داشت، در میان توده‌های مردم نیز اعم از کشاورزان و پیشه‌وران رواج کامل داشت (۲۹).

در خصوص نظام مالیاتی حاکم بر شهرها نیز اطلاعات زیادی از دوران تیموریان وجود ندارد، اما آنچه مسلم است، احتمالاً همان قوانین مالیاتی دوران ایلخانیان کم و بیش حفظ شد. تیمور جهت تشویق مردم به زراعت، مقرراتی راجع به مالیات و طریقه وصل آن وضع نمود و در بعضی مواقع مالیات‌ها را تخفیف می‌داد (۱۸). از تجار و پیشه‌وران شهرها مالیات تمغا گرفته می‌شد و تا حدودی هم عوارض محلی و راهداری اخذ می‌شد. متأسفانه در حد فاصل مرگ شاهرخ تا روی کار آمدن ابوسعید، میزان مالیات‌ها چندین برابر شد (۱۵). اسفزاری در این‌باره می‌نویسد: «در موردی که قرار بود از هر خانه‌ای یک دینار مالیات بگیرند، دفعاتاً بر هر دیناری، نه دینار افزودند» (۷). شورش مردم اصفهان در سال ۷۹۰ ق. علیه محصلین مالیاتی و کشته‌شدن سه هزار نفر از سربازان تیمور توسط مردم اصفهان نشان‌دهنده اجحافات مالیاتی تیموریان برای تهیه مال برای هزینه سپاهیان بود که در این درگیری نزدیک به هفتاد هزار نفر از مردم اصفهان کشته شدند (۱۹).

با مرگ شاهرخ، دورانی از وخامت در زندگی زارعان و کشاورزان منطقه روی داد و اخذ قلان و بیگار چند برابر شد. چالش زندگی زارعان با مأموران دریافت‌کننده عوارض و مالیات در این سال‌ها، دو گروه متمایز اجتماعی را به وجود آورد: یکی گروه کشاورزان که روزگار را به سختی می‌گذراندند و گوهر اشک به الماس مژگان می‌سفتند و گروه دیگر که دمار از روزگار رعایا درآورده و معموری حال خود را در پی خرابی

(۲۳)، موجب شد که خراسان شاهد حضور انبوه اصناف و پیشه‌وران هراتی و افرادی باشد که متعلق به دورترین نقاط بودند.

در دوران آرامش، رعایت نظم و قانون به شدت برقرار بود. هیچ کس حق تجاوز و تعدی به دیگران نداشت. قضات بی‌شماری در اردوی تیمور خدمت می‌کردند و مأمور رسیدگی به عدالت اجتماعی بودند. قضات هر از چندگاهی به شهرستانی می‌رفتند تا عدالت را درباره آنان که شکایتی داشته باشند، اجرا کنند. برخی از قضات مسؤول رسیدگی به امور جنایی و قتل و خونریزی و برخی دیگر مسؤول رسیدگی به اختلاس و حیف و میل حکومتی و دیوانی بودند. همچنین قضاتی نیز وجود داشتند که مسؤول رسیدگی به شکایات مردم از مأموران دولتی بودند (۱۱).

بدین‌گونه تیموریان موجد واقعی احیای نظام پیشه‌وری و اصناف و همچنین اعتلای بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی در شهرهای مشرق ایران بودند، اما متأسفانه از جزئیات تشکیلات اصناف و اهل حرفه، اطلاعات چندانی وجود ندارد. بدون تردید اقدامی که امیرتیمور در خصوص انتقال و اسکان اهل حرفه و پیشه‌وران به شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، به ویژه سمرقند و هرات، به عمل آورد عامل قطعی در ایجاد تشکیل و سازمان‌یافتن اصناف شهری در دوران جانشینان او به شمار می‌رود، به ویژه آنکه سلاطین تیموری پیوسته مشوق هنرمندان و صنعتگران و اهل حرفه بوده‌اند و برای زینت و شکوه شهر و دربار خود به ذوق و اندیشه و فکر و عمل این قشر متوسط شهری نیاز داشته‌اند، مثلاً در دوره تیموریان بهترین نمونه‌ها و کارهای صحافی و تجلید کتاب به وجود آمد که تاکنون در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند. صحافی‌های مدرسه هرات که در آنجا صنعت صحافی و تجلید و چرم‌کاری به حد کمال رسید، دارای طرح‌های عالی است که نهایت دقت و مهارت در آن به کار رفته است (۲۴).

بایسنقر میرزا (۸۳۷-۷۹۹ ق.) با اختصاص دادن عمارت باغ سفید توانست شالوده بنای کتابخانه را پایه‌ریزی کند. او بنیانگذار کتابخانه و فرهنگستانی در هرات شد که در آن نزدیک به ۱۴۰ هنرمند در زمینه‌های مختلف هنری به کار

رعیت می‌جستند، لذا جور آنان در حق رعایا و زارعان موجب عسرت در زندگی طبقه کشاورزان بود (۳۰)، چنانکه جامی نیز، از ظلم متصدیان حکومتی در حق روستاییان زارع و دامداران انتقاد کرده و چنین سروده است:

سفره از حرام مالامال همه چیزی درو به غیر حلال  
 نانش از گندمی که شحنه شهر از فقیران ده گرفته به قهر  
 گوشت زان گوسفند صحرایی که ربودست ترک یغمایی  
 (۳۱)

در زمینه تجارت نیز اگرچه به عنوان بخشی از اقتصاد شهری، در نتیجه گرایش‌های متفاوت سیاسی مشکلاتی وجود داشت، اما تیموریان تلاش کردند تا جهت‌گیری‌های تجاری خود را فارغ از ملاحظات سیاسی تنظیم کنند. ایران نظیر یک کاروانسرا بود که تجار را از شرق به غرب، از استپ‌های آسیای مرکزی و جلگه‌های هند تا بندرهای مدیترانه و شمال و جنوب پیوند می‌داد و نیز تجارت از رودخانه‌های روسیه تا سواحل خلیج فارس و از هند شرقی و هند و چین تا سرزمین اروپا در جریان بود (۲۸).

در این دوران، ماوراءالنهر به مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی تبدیل شد. شهرهای مهم خراسان همچون هرات و سمرقند و شهرهایی چون شیراز و یزد از رشد بالایی در امر تجارت خارجی و داخلی برخوردار شدند. تیمور در شهرهایی که با او به مقاومت برنمی‌خواستند، به تجار مساعدت می‌کرد و شعار وی این بود که «دنیا با بازرگانان آباد است» (۳۲). به همین سبب به تعمیر پل‌ها، کاریزها، رباط‌ها، امنیت راه‌ها و مساجد اقدام نمود (۱۸).

تجارت خارجی خراسان علاوه بر محصولات مزارع و باغات فراوان حومه شهرهای خراسان در ظل حمایت و تشویق تیموریان و وجود منابع آبی محصولات فراوان و خوبی را به عمل می‌آورد. یکی از مشخصه‌های خاص طبقه بازرگانان از قرن هشتم هجری به بعد ارتباط تنگاتنگ آن با مالکان عمده بود. صاحبان سیورغال‌ها، متولیان اراضی موقوفی و مالکان ارضی ملک برخلاف اسلافشان در صدر اسلام، ترجیح می‌دادند

در شهرها که دور از اراضی‌شان و جزء شهروندان متنفذ به شمار می‌آمدند، زندگی کنند (۲۸).

### اجرای قوانین مغولی / عرفی و شرعی / اسلامی

قانون و پیرو آن اجرای قوانین مطابق با عدالت از دیگر مؤلفه‌های حقوق شهروندی است. با این‌که تیمور مسلمان متعصبی بود، اما نظر به احترامی که به خاندان چنگیز داشت، قسمتی از یاسای چنگیزی را با اصول اسلامی تلفیق کرد و قواعدی را که به تزوک تیموری معروف است، ترتیب داد. قابل توجه است که تنها در امور لشکری و نظامی بود که قواعد و رسوم مغولی / عرفی اعتبار داشت و در امور کشوری اصول اسلامی و ایرانی معتبر بود. بدین‌گونه جرائم ممکن بود به دو نحو مورد رسیدگی قرار گیرد یا در محاکم شرع و بنا به قواعد اسلامی و یا در محاکم عرف که قوانین یاسا را مبنای صدور حکم قرار می‌دادند، اجرا می‌شد (۳۳).

در بخش نخست و در خصوص یاسای چنگیزی، سلطان به عنوان بالاترین مقام رأس تمام امور قضایی قرار داشت؛ او عالی‌ترین قاضی و دادرس در کشور محسوب می‌شد که نه تنها خود در محکمه مظالم به قضاوت می‌نشست، بلکه حکم وی در تعیین، تبدیل و تضعیف مجازات‌ها در سایر محاکم قضایی تأثیر می‌گذاشت. به همین جهت تیمور خود را سلطانی عادل دانسته و چنین می‌گوید: «به عدالت و انصاف، خلق خدا را از خود راضی داشتم و بر گناهکار و بی‌گناه رحم کردم و حکم بر حق کردم و به سیاست و انصاف سپاه و رعیت را در میانه امید نگاه داشتم و داد مظلوم را از ظالم گرفتم و بعد از اثبات ظلم مالی و بدنی، موافق شرع در میانه ایشان محاکمه نمودم» (۱۸)، چنانکه سلطان حسین بایقرا نیز همچون تیمور، روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته، قضات و علما را به حضور خود می‌طلبید و در حضور آن‌ها به احوال مظلومین و دادخواهان رسیدگی می‌نمود و در حل قضایا، فتوای ائمه را مد نظر قرار می‌داد (۱۷). نویسندگان و مورخان تیموری و بعد از آن از وی به عنوان سلطان عادل نام برده‌اند (۷).

عالی‌ترین مقامات قضایی نظیر قاضی‌القضات به واسطه تیمور - سپس جانشینانش - منصوب می‌شدند (۱۸). اجرای

احکام قضایی بر عهده نیروهای انتظامی این دوره مانند شحنة، داروغه، عسس و دیگر قوای انتظامی بود. این نیروها در واقع ضابطان دادگستری این دوره بودند. برخی از وظایف آنها عبارت از: کشف جرم‌ها، دستگیری مجرمان و تجسس‌های لازم پس از وقوع جرائم برای کسب شواهد و سرخ‌های بیشتر و پی‌بردن به محل اختفای مجرمان و اجرا و ابلاغ احکام قضایی بود (۳۲).

در هر شهر به خصوص در شهرهای مهم، هر محله‌ای، یک رییس انتظامات یا کوتوال داشت، در شهرها و روستاها مأمورانی زیر فرمان او بودند که قورچی خوانده می‌شدند. علاوه بر این، شحنة‌ها یا فرماندهان قوای انتظامی، یساولان که نوعی از همین فرماندهان محسوب می‌شدند و تنظیم تشریفات با آنان بود، همچنین محتسبان و فرماندهان دیگر قوای انتظامی که در عین حال بازرسان بازارها و اوزان و اندازه‌ها بودند و بالاخره داروغه‌ها که هم بازرسان و هم فرماندهان قوای انتظامی بودند نیز وجود داشتند. مأموران انتظامی شب عسس، و آن عده از مأمورانی که مسؤول حفظ جان و مال‌التجاره بودند، قراسوران خوانده می‌شدند (۱۸).

بدین ترتیب در این دوره، در سایه قدرت و نظارت دقیق شخص تیمور از طریق جاسوسانش بر نحوه عملکرد عمال و کارگزاران حکومتی از جمله قاضیان، نظم و امنیت و آرامش نسبی در نقاط مختلف قلمرو، به ویژه سمرقند به وجود آمد، چنانکه «در سمرقند ترتیب و نظمی به نهایت شدت برقرار است و هیچ کس جرأت نزاع با دیگران را ندارد و به همسایه خود به زور و عنف بیداد نمی‌کند» (۱۱).

مجازات متخلفان، گاه در بطن جامعه و توسط تیمور درباره افراد خاطی صورت می‌گرفت. به عنوان نمونه هنگام بازگشت تیمور از یورش‌های هفت ساله و در واپسین سال حیاتش در سال ۸۰۷ ق. چون به کنار آب مرغاب رسید، مردم آنجا از داروغه خود، نزد تیمور شکایت کردند و تیمور متعاقب آن دستور داد پای داروغه را سوراخ کنند و او را سرنگون بیاورند (۲۱).

در دوره شاهرخ که جامعه از مرحله استقرار به مرحله تثبیت رسیده بود، وی به جای توجه به ماهیت نظامی و پیروی

از سنت مغولی بر تأیید و حمایت از سنت اسلامی متمرکز شد. به همین جهت در سال ۸۱۵ ق. شاهرخ بر قواعد فقه اسلامی به جای یاسای چنگیزی تأکید کرد (۳۲). در حقیقت در این دوره بر قضاوت شرعی تزوئات تیموری بیش از قضاوت عرفی توجه شد. بنا به گفته ابن عربشاه «شاهرخ، یاسای چنگیز را به کار نیست و فرمود که سیاست ملک، بر اساس قواعد اسلامی گذراند و مرا این سخن درست نباید که اعتقاد ایشان بدان کیش بسیار صریح و آشکار می‌بود» (۱۰).

الغیبه نیز در ابتدای حکمرانی خود در خصوص اجرای قوانین مانند جد خود، تیمور عمل می‌نمود و یاسا را به کار می‌برد، اما بعدها خود را نسبت به علمای دینی علاقمند نشان داد، اگرچه همه اعمال او مطابق با اصول و قوانین شرع نبود (۳۳).

نکته قابل ذکر در اینجا این مسأله است که این قوانین زمانی که حکومت مرکزی قوی بود و بر قوانین و اجرای قوانین، به خوبی و درستی نظارت می‌نمود، همه چیز به خوبی اجرا می‌شد، اما زمانی که جنگ‌های خانگی شروع شد و نظارت حاکمیت مرکزی روی قوانین و مأموران اجرایی رو به ضعف و سست گرایید، نظم و امنیت اجتماعی بر هم خورد. این وضعیت به ویژه در اواخر دوران تیموری به درجه‌های عالی خود رسید. این مسأله با فشارهای ازبکان در شرق همراه شد و بدین‌گونه موجب برهم‌خوردن وزنه نظم و امنیت اجتماعی شد. در نبود نظارت مرکزی و فقدان امنیت قضایی و آشفتگی‌های به وجود آمده ناشی از جنگ، عرصه را چنان بر شهروندان تنگ نمود که در آن ایام هر کس جرم بزرگی مرتکب می‌شد، پس از وقوف بر گناه، مردم کوچه و بازار او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و در اغلب موارد منتظر رسیدگی و صدور حکم قاضی نمی‌شدند (۳۴).

### نتیجه‌گیری

مؤلفه اول: عمران و عمارت شهرها و روستاها توسط تیموریان، پس از ویرانی‌های عظیم مغولان و شخص تیمور، مورد توجه حاکمان تیموری قرار گرفت و در این رابطه نه تنها خود به عمران و آبادی مکان‌های مختلف همت گماردند، بلکه

مالیات‌های مختلف را از مردم تهی‌دست شهری و روستایی می‌گرفتند که همین مسأله نیز گاه موجب شورش مردم فرودست می‌شد.

بنابراین با توجه به مطالب ارائه‌شده، حق اجتماعی شهروندی و به عبارت‌دیگر، رفاه و آسایش و امنیت اجتماعی شهروندان تحت حکومت تیموریان وابسته به دوره‌های آسایش و صلح و یا جنگ بود. زمان تیمور، شاهرخ و تا حدودی سلطان حسین بایقرا، دوره‌هایی هستند که نظارت دقیق بر اجرای فرمان‌ها و قوانین صادره موجب رشد و شکوفایی شهرها و رونق و آبادانی روستاها به ویژه در خراسان گشت و پیرو آن، اصناف رونق گرفتند، اما ضعف و سستی حکومت بر اجرای فرمان‌ها، موجب سوءاستفاده عمال و مأموران اجرایی و در نتیجه اجحاف و ظلم در حق شهروندان شد و در اواخر حکومت تیموریان کار به جایی رسید که خود مردم، قاضی شده و مجرمان را مجازات می‌نمودند.

فرمان‌های انگیزشی نیز جهت آبادکردن زمین‌ها و عدم مهاجرت به شهرهای دیگر توسط آنان برای آبادسازی زمین‌های ویرانه و بایر صادر شد. سلاطین تیموری همچون تیمور و شاهرخ عده بسیاری از معماران، هنرمندان و صنعت‌کاران را از شهرهای دیگر برای رونق و شکوه شهری به سمرقند و هرات کوچاندند و جانشینان شاهرخ نیز همین رویه را ادامه دادند و کتابخانه‌ها، مساجد، حمام‌ها و مدارس و... بنا نمودند.

درباره مؤلفه دوم: طبقات و اصناف نیز می‌توان گفت طبقات مانند دیگر دوره‌های تاریخی ایران به طبقه بالادست و حاکم (حاکمان و فرمانروایان، نظامیان، روحانیان و دبیران) و طبقه فرودست و محکوم (پیشه‌وران شهری و کشاورزان و دامداران روستایی) تقسیم می‌شد، اما نکته قابل توجه این مطلب است که با اهمیت دادن به رونق و آبادانی و عمران شهرها و آبادی‌ها مختلف، اصناف در این دوره شکل گرفت و چنانکه در تزوک تیموری نیز به برخی از آن‌ها همچون معماران، منجمان، طبیبان، تجار، پیشه‌وران و صنعت‌کاران شهری اشاره شده است.

مؤلفه سوم: قانون و نظارت بر اجرای قوانین در ابتدا بر اساس تزوک تیموری بر دو قاعده عرفی (یاسای چنگیزی) و شرعی (قوانین اسلامی) بود، اما به تدریج، به ویژه در دوران شاهرخ تنها بر اساس اصول شرع اسلامی، قوانین صادر می‌شدند.

مسأله قابل توجه در رابطه به هر سه مؤلفه این است که تا زمانی که حکومت مرکزی قوی بود و نظارت درست بر همه قوانین و نهادها وجود داشت، عمران و بازسازی با وسواس و تأکید انجام می‌شد، شهروندان در امنیت در کنار یکدیگر به حرفه خود مشغول بودند، مالیات‌ها توسط مأموران به درستی گرفته می‌شد و جرم‌ها مورد رسیدگی و متناسب با آن مجازات تعیین می‌شد، اما همین که ساختار حکومت مرکزی - خواه به دلیل جنگ‌های داخلی و خواه به دلیل فشارهای خارجی همچون ازبکان - تضعیف می‌شد، هرج و مرج آغاز می‌گشت و مأموران وصول مالیات - همچون گرگ که گله را بدون چوپان می‌دید - اجحاف زیادی به شهروندان می‌نمودند و انواع

## References

1. Biranvand R. Bailiff's responsibility in citizenship law. Qom: Ghaza; 1393. [Persian]
2. Tavasoli GH, Nejati Hoseini SM. The social reality of citizenship in Iran. *Sociology of Iran Journal* 1383; 5(2): 32-62. [Persian]
3. Katozian N. Philosophy of Law. Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar; 1377. [Persian]
4. Shabani R. Foundations of Social History of Iran. Tehran: Ghomes; 1374. [Persian]
5. Tabatabaie J. A Philosophical Introduction to the History of Political Thought in Iran. Tehran: Kavir; 1374. [Persian]
6. Hafiz Abro SH. Historical geography of Khorasan. Corrected by Varahram GH. Tehran: Etelaat; 1370. [Persian]
7. Asfarazi MM. Rozat al-Janat fi Osaf-e Madine Heart. Corrected by Emam MK. Tehran: Tehran University; 1339. Vol.2. [Persian]
8. Ibn Balkhi. Farsnameh (The oldest history and geography of Fars). Introduced by Behrozi A. Shiraz: Etehadiyeh Matboati Fars; 1343. [Persian]
9. Petroshevsky IP, Carl Y, Smith JM. Socio-economic history of Iran during the Mongol era. Translated by Azhand Y. Tehran: Etelaat; 1366. [Persian]
10. Ibn Arabshah. Ajayeb al-Maghdor fi Akhbar-e Timour. Translated by Nejati MA. Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Kitab; 1356. [Persian]
11. Clavijo RG. Narrative of the embassy of Ruy Gonzalez. Translated by Rajabnia M. Tehran: Elmi va Farhangi; 1366. [Persian]
12. Shahab Monshi M. Homayonnameh. Tehran: University Tehran; 1356. [Persian]
13. Hafiz Abro SH. Zobdat al-Tavarikh. Corrected by Haj Seyed Javadi K. Tehran: Vezerat-e Farhang va Ershad-e Slami; 1372. [Persian]
14. Bartold V. An Historical Geography of Iran. Translated by Sanati Zadeh H. Tehran: Bonyad-e Moghofat-e Mahmud Afshar; 1377. [Persian]
15. Samarghandi K. Matla al-Sadein va Majma al-Bahrein. Corrected by Navaei A. Tehran: Pazhoheshgah-e Olom-e Ensani va Motaleat-e Farhangi; 1383. [Persian]
16. Rafiei AT. Investigating the economic situation of Greater Khorasan in the Timurid era. *History Journal* 1386; 2(6): 61-84. [Persian]
17. Mirkhond M. Rozat al-Safa. Tehran: Ketabkhane Khayam; 1339. Vol.6-7. [Persian]
18. Hoseini Torbati A. Tzukat Timur. Tehran: Ketabforoshi Asadi; 1342. [Persian]
19. Yazdi SH-A. Zafarnameh. Corrected by Abbasi M. Tehran: Amir Kabir; 1336. [Persian]
20. Farahani Monfared M. The link between politics and culture in the age of Timurid decline and the rise of the Safavids. Tehran: Anjoman-e Asar va Mafakher-e Farhangi; 1381. [Persian]
21. Khondmir GH. Habib al-Seyar fi Akhbar-e Afrad-e Bashar. Tehran: Ketabforoshi Khayam; 1333. Vol.3-4, 6. [Persian]
22. Nezami Bakharzi N. Mansha al-Ensha. Tehran: Melli University; 1357. [Persian]
23. Khondmir GH. Makarem-e Akhlagh. Corrected by Ashigh MA. Tehran: Maktob; 1378. [Persian]
24. Dimand MS. A handbook of Muhammadan art. Translated by Faryar A. Tehran: Elmi va Farhangi; 1365. [Persian]
25. Bahrani-pour A. The Influence of Timurid and Ming Dynasty Relations in China on Herat School Painting. *Tarikh Nameh Baad az Islam Journal*; (2): 1-24. [Persian]
26. Sedigh K. Baysonghor Mirza. In The Great Islamic Encyclopedia. Tehran: Markaz-e Dayeratolmaaref-e Bozorg-e Slami; 1390. Vol.11. [Persian]
27. O'kane B. Timurid architecture in khurasan. Translated by Akhshini A. Mashhad: Bonyad-e Pazhoheshhay-e Slami; 1386. [Persian]
28. Roemer HR. The Cambridge history of Iran: The Timurid and Safavid periods. Translated by Azhand Y. Tehran: Jami; 1378. Vol.6. [Persian]
29. Nezami Bakharzi N. Maghamat-e Jami, Parts of the Khorasan Cultural and Social History in the Timurid Era. Corrected by Mayel Heravi N. Tehran: Ney; 1371. [Persian]
30. Ibn Shahab Yazdi T. Jame al-Tavarikh Hasani. Kerachi: University Kerachi; 1987. [Persian]
31. Jami N. Masnavi-e Haft Orang. Corrected by Modares Gilani M. Tehran: Mahtab; 1375. [Persian]
32. Navaei A. Historical documents and correspondence of Iran (From Timur to King Ismail). Tehran: Elmi va Farhangi; 1341. [Persian]
33. Mirjafari H. The history of political, social, economic and cultural developments in Iran during the

---

Timurid and Turkmanian periods. Esfahan: University  
Esfahan; 1375. [Persian]

34. Vasefi ZM. Bdaye al-Vaghayea. Corrected by  
Belderov A. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran; 1349.  
Vol.2. [Persian]